

معرفی پایان نامه: بررسی علل عمده کارآیی گروه‌های

آموزشی در مناطق آموزش و پرورش استان تهران

استاد راهنما: دکتر علی اکبر فرهنگی

نگارش: کریم کاشانیان

مقدمه

نظام آموزش و پرورش از ارکان مهم تربیتی می‌باشد که مسؤولیت عظیم باروری و شکوفایی توانشهای نسل کنونی و آتی جوامع را برای نیل به رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی به عهده دارد.

آموزش و پرورش در جهان کنونی از چنان اهمیت بالایی برخوردار است که علاوه بر ساخت و تقویت زیربناهای فرهنگی یک جامعه، رسالت استقامت و ایستادگی در مقابل فرهنگهای سلطه‌گر و نظامهای سلطه جو را نیز بر دوش می‌کشد تا از خودباختگی و استحاله فرهنگی ممانعت بعمل آورد و اگر کشوری در صدد بقا و دوام دراز مدت است باید بتواند نظام آموزش و پرورش را در جهت صحیح هدایت کند.

مفهوم آموزش و پرورش در کشور ما برابر است با آماده سازی انسانهایی توانا برای رویارویی با مسائل زندگی و به ویژه با مسائل جهانی که پیوسته و به سرعت در حال دگرگونی است. برخورداری از تکنولوژی آموزشی، به مفهوم کلی برنامه‌ریزی صحیح، برای وصول به چنین هدف مقدسی دشوار است و این معلمان هستند که باید با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و با کمک ابزار و وسائل آموزشی بتوانند در سطح گسترده‌ای به این هدف دست یابند و این تحقق نخواهد یافت مگر اینکه آموزش معلمان به طور جدی و صحیح و با استفاده از آخرین دانش روز انجام شود.

در این پایان‌نامه کنکاشی پیرامون نقش گروه‌های آموزشی در ارتقاء کیفیت معلمان صورت گرفته است تا دلایل کارآیی و یا عدم

کارآیی گروه‌های آموزشی را روشن سازد.

تعریف موضوع

به خاطر ارتقاء کیفی نحوه تدریس دبیران و آشنایی بیشتر آنها با مطالب جدید و روشها و اصول تازه تدریس و روشهای کلاس داری و اداره دانش آموزان، گروه‌های آموزشی در هر رشته درسی با حضور دبیران همان درس در سطح مناطق مختلف آموزش و پرورش تشکیل می‌گردد. این گروه‌ها در هر منطقه آموزش و پرورش تحت نظارت و سرپرستی واحدی به نام گروه‌های آموزش اداره می‌شوند. از جمله این گروه‌ها گروه آموزشی زبان انگلیسی، ادبیات فارسی، جغرافیا، علوم اجتماعی، ریاضیات و ... را می‌توان نام برد.

علت انتخاب موضوع

در برنامه ۵ ساله اقتصادی و اجتماعی کشور توجه خاصی نسبت به تعلیم و تربیت به شکل اعم و آموزش و پرورش به طور اخص مبذول داشته شده است. به طوری که بودجه زیادی برای تحقق اهداف و اولویتهای برنامه ۵ ساله در بُعد آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است که این تلاش گسترده و همه جانبه‌ای را از سوی سازمانهای متصدی می‌طلبد.

در زیر مجموعه آموزش و پرورش بودجه قابل توجهی برای تشکیل گروه‌های آموزشی اختصاص یافته است. در صورتی که

راندمان و بازدهی کافی در تشکیل و ادامه فعالیتهای گروه‌های آموزشی مشاهده نشود توجیه لازم برای صرف امکانات، تخصیص بودجه، تأمین نیروی انسانی و ... وجود نخواهد داشت. آموزشهای لازم جهت به روز در آوردن دانش معلمان، بالا بردن تواناییهای ایشان، ارتقاء کیفیت تحصیلی دانش آموزان و گسترش دانشهای جدید با توجه به روند رشد تکنولوژی آموزشی در جهان کنونی، از جمله مباحثی است که تشکیل گروه‌های آموزشی را ضروری می‌سازد.

تحقیق حاضر در راستای بررسی تشکیلات گروه‌های آموزشی به منظور کنکاش پیرامون کارآیی یا عدم کارآیی این گروه‌ها به منظور کمک به برنامه‌ریزی و تغییر و تحول اساسی در ساختار، تشکیلات و وظایف این گروه‌ها انجام شده است.

اهمیت موضوع

از آنجایی که شکل‌گیری نسلهای جدید در محیطهای آموزشی رقم زده می‌شود و آموزش و پرورش اولین نهاد درگیر در تربیت نیروی انسانی و در نتیجه زمینه ساز آموزش نسلهای آینده است و از آنجایی که کشور ایران یکی از جوانترین کشورهای جهان از نظر ترکیب جمعیتی و سطوح جمعیتی می‌باشد و به دلیل رشد بالای جمعیت (قریب ۳/۷٪) و انباشت و تراکم سطوح جوان جمعیت در ایران، اهمیت پرداختن به مسائل تربیتی و آموزشی این قشر گسترده که آینده کشور به طور صد در صد در گرو تربیت و رشد آنان است مشخص می‌گردد. اگر در بازسازی نیروهای انسانی لازم برای آینده کشور موفق شویم، تحقق برنامه‌های پنج ساله اقتصادی - اجتماعی در دسترس خواهد بود. با توجه به آنچه گذشت و رسالت‌های مهم گروه‌های آموزشی اهمیت موضوع تحقیق مشخص می‌گردد.

فرضیات تحقیق

فرضیه ۱- فرضیه اهم: عدم برنامه‌ریزی آموزشی رابطه مستقیمی با عدم کارآیی گروه‌های آموزشی داشته و علت عدم کارآیی گروه‌های آموزشی است.

فرضیه ۲: ساختار و تشکیلات نامناسب رابطه مستقیمی با عدم کارآیی گروه‌های آموزشی داشته و علت عدم کارآیی گروه‌های آموزشی است.

فرضیه ۳: عدم تخصص دبیران رابطه مستقیمی با عدم کارآیی گروه‌های آموزشی داشته و علت عدم کارآیی گروه‌های آموزشی می‌باشد.

فرضیه ۴: بی انگیزه و بی تفاوت بودن دبیران رابطه مستقیمی با عدم کارآیی گروه‌های آموزشی داشته و علت عدم کارآیی گروه‌های آموزشی است.

قلمرو تحقیق

از نظر مکانی قلمرو تحقیق به مناطق ۱۵ و ۱۲ آموزش و پرورش شهرستان تهران محدود گردیده و از نظر زمانی سال ۱۳۷۰ در نظر گرفته شده است. نتایج حاصله از این تحقیق می‌تواند در سایر حوزه‌های آموزشی (مناطق ۲۰ گانه آموزش و پرورش شهرستان تهران) تعمیم داده شود.

به دلیل اهمیت مقطع آموزشی متوسطه در نظام آموزش و پرورش به دلیل سطح علمی بالاتر و مطرح بودن تخصصهای گوناگون در رشته‌های مختلف، این تحقیق صرفاً به مقطع آموزشی متوسطه اختصاص یافته است.

محدودیت‌های تحقیق

تحقیق پیرامون علوم اجتماعی و انسانی از پیچیدگی خاصی برخوردار بوده و محدودیت‌های بسیاری را بر موضوعات تحقیق تحمیل می‌کند. این محدودیتها عبارتند از محدودیت‌های انسانی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی که در راه انجام پژوهش مشکلاتی را بوجود می‌آورند. آنچه مهم است کاستن از این محدودیتها و یا به کنترل درآوردن این محدودیتها می‌باشد. اما محدودیتها و موانعی که در راه انجام تحقیق فوق وجود داشت عبارتند از:

- ۱- عدم ارزیابی صحیح از گروه‌های آموزشی در گذشته و حال.
- ۲- عدم ارزشیابی معلمان از شرکت در گروه‌های آموزشی.
- ۳- عدم همکاری مدیران ادارات و مسؤولان گروه‌های آموزشی در ارائه اطلاعات.
- ۴- عدم اطلاعات مدون و مکتوب در زمینه تشکیلات گروه‌های آموزشی مناطق آموزش و پرورش.
- ۵- مسائل و مشکلات مادی و اقتصادی که در راه انجام تحقیق وجود دارد.
- ۶- فرصت زمانی محدود.

۷- نامشخص بودن جنبه‌های تئوریک در زمینه تشکیل گروه‌های آموزشی معلمان.

۸- فقدان سیستم اطلاعاتی مدیریت به طور منظم و دقیق از گروه‌های آموزشی در مناطق بیست گانه آموزش و پرورش.

۹- عدم انجام تحقیقات وسیع و گسترده میدانی در سطح کل مناطق بیست گانه آموزش و پرورش تهران و به دست آوردن عوامل مؤثر.

۱۰- اعمال نظر مسئولان گروه‌های آموزشی در انجام مصاحبه‌ها و دادن اطلاعات صحیح.

روش تحقیق و متدولوژی تحقیق

روش تحقیق، روش همبستگی بوده و از رگرسیون ساده Regression و رگرسیون چند متغیره (چندگانه) Multiple Regression استفاده شده است و بر اساس آن نیز روش آماری خاص خود یعنی ضریب همبستگی مورد استفاده قرار گرفته است.

تعریف موضوع و فرضیات به صورت تابع و بیان آماری

$$y = f(X_1 + X_2 + X_3 + X_4)$$

y = متغیر وابسته و غیر مستقل تحقیق

X_1 = متغیر مستقل اول تحقیق

X_2 = متغیر مستقل دوم تحقیق

X_3 = متغیر مستقل سوم تحقیق

X_4 = متغیر مستقل چهارم تحقیق

بنابر این:

y = عدم کارآیی گروه‌های آموزشی

X_1 = فرضیه اول: عدم برنامه‌ریزی صحیح (به طور کوتاه مدت و بلند مدت) در گروه‌های آموزشی.

X_2 = فرضیه دوم: عدم وجود ساختار و تشکیلات مناسب در گروه‌های آموزشی.

X_3 = فرضیه سوم: عدم تخصص لازم دبیران در گروه‌های آموزشی.

X_4 = فرضیه چهارم: بی انگیزگی و بی تفاوتی دبیران نسبت به گروه‌های آموزشی.

روش آماری مورد استفاده

روش آماری که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته با توجه به نوع تحقیق که تحقیق همبستگی و همخوانی می‌باشد، بهترین روش آماری برای این کار تست و آزمون برقراری ارتباط میان متغیرها است که همان روش ضریب همبستگی می‌باشد که انتخاب گردیده است.

برای تست داده‌ها و فرضیات و نیز به خاطر حجم نمونه بالا و عملیات حجیم و گسترده آماری از کامپیوتر استفاده شده که تحقیق از صحت و دقت بیشتری برخوردار باشد. به همین خاطر از نرم‌افزار Spss جهت انجام امور آماری و تست کمی و مقداری متغیرهای تحقیق استفاده شده است.

شرح فعالیتهای تحقیق

جهت انجام تحقیق ابتدا پرسشنامه‌ای با ۳۰ سؤال پیرامون فرضیات چهارگانه موضوع که عدم کارآیی گروه‌های آموزشی است تدوین گردید. ۱۳۰ نسخه پرسشنامه در سطح ۲ منطقه در دبیرستانهای دخترانه و پسرانه توزیع گردید و ۱۱۰ نسخه پرسشنامه پر شده و تکمیل شده به دست آمد. در حدود ۸۵٪ از پرسشنامه‌های توزیع شده برگشت داده شد و نزدیک به ۲۰ نسخه پرسشنامه یعنی ۱۵٪ از پرسشنامه‌ها پرت داشته است. به ۶ دبیرستان دخترانه مراجعه شد و در نهایت ۵۸ نفر از دبیران خانم به تکمیل پرسشنامه مبادرت ورزیدند. در دبیرستانهای پسرانه به ۸ دبیرستان مراجعه گردید و در نهایت ۵۲ پرسشنامه توسط آقایان دبیر تکمیل گردید.

با توجه به نوع و روش تحقیق آزمودنیهای تحقیق به طور صحیح انتخاب گردید و سعی می‌شد که به صورت تصادفی مدارس انتخاب گردد و چون دبیران نزدیکترین افراد به گروه‌های آموزشی و از شرکت کنندگان در مجامع گروهی می‌باشند لذا به نظر می‌رسید که بهترین نوع آزمودنیها برای تحقیق انتخاب گردیده است.

منابع جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق جهت جمع‌آوری اطلاعات به طرق ذیل عمل شده است:

۱- جمع‌آوری اطلاعات از طریق توزیع پرسشنامه در میان دبیران.

- ۲- مصاحبه با مسئولان گروه‌های آموزشی در سطح شهر تهران.
- ۳- مشاهدات شخصی از جلسات گروه‌های آموزشی دبیران در گروه‌های مختلف درسی.
- ۴- مصاحبه با اعضاء گروه‌های مختلف در گروه‌های آموزشی دبیران در سطح منطقه.
- ۵- مصاحبه با سرگروه‌های گروه‌های آموزشی دبیران در سطح منطقه.
- ۶- مصاحبه با مسئول هماهنگ کننده گروه‌های آموزشی منطقه.
- ۷- مصاحبه با مدیران اجرایی مقاطع راهنمایی و دبیرستان گروه‌های آموزشی منطقه.
- ۸- مصاحبه با مدیران دبیرستانها جهت شناخت و تأثیرات جلسات گروه‌های آموزشی بر روی دبیران.
- ۹- استفاده و مراجعه به کتابخانه پژوهش وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۰- استفاده از تحقیقات کتابخانه‌ای و کتب تدوین شده در زمینه‌های آموزش و پرورش.

تجزیه و تحلیل یافته‌های آماری تحقیق

علل عدم کارایی گروه‌های آموزشی را می‌توان از طریق روشهای ریاضی و آماری نیز مورد بررسی قرار داد، به طوری که مطالعات و تحقیقاتی که صورت می‌گیرد استفاده از روشهای ریاضی و آماری مورد توجه محققین بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است. در این فصل با استفاده از مدل‌های ریاضی علل عدم کارایی گروه‌های آموزشی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. در این متدها با استفاده از آمار و مشاهدات، مدل‌هایی جهت تفسیر و توضیح علل عدم کارایی گروه‌های آموزشی ساخته می‌شود و سپس با بکارگیری روشهای اقتصادسنجی چگونگی روابط علت و معلولی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

می‌توان اثرات فرضیات مطروحه در بحثهای قبلی در ارتباط با عدم کارایی گروه‌های آموزشی را از دو دیدگاه مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

الف- تأثیر هر یک از علل مطروحه در عدم کارایی گروه‌های آموزشی.

ب- تأثیر مجموع علل مطروحه در عدم کارایی گروه‌های آموزشی.

در هر یک از این دو مرحله با استفاده از روشهای اقتصاد

سنجی رابطه بین علل و عدم کارایی گروه‌های آموزشی بررسی قرار خواهد گرفت.

الف- تأثیر هر یک از علل مطروحه در عدم کارایی گروه‌های آموزشی

هر یک از فرضیات مطروحه دارای تأثیراتی بر عدم کارایی گروه‌های آموزشی بوده‌اند که در این مرحله تأثیر هر یک از فرضیات را به تنهایی در چهارچوب یک مدل ریاضی مورد بررسی قرار می‌دهیم و با استفاده از رگرسیون ساده، مدلی از تأثیرات فرضیات مطروحه بر عدم کارایی گروه‌های آموزشی ساخته شده و تأثیرات هر یک از فرضیات به طور مجزا بررسی می‌گردد. در داخل مباحث به فراخور حال برخی از نتایج آزمون مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱- فرضیه عدم وجود برنامه‌ریزی صحیح و مناسب (فرضیه اول)

با استفاده از مدل رگرسیون ساده نتایج حاصله به شرح زیر می‌باشد:

ضریب همبستگی (multiple R) حدود ۰/۶۶ است که نشان دهنده همبستگی بین فرضیه و عدم کارایی گروه‌های آموزشی است به عبارت دیگر عدم برنامه‌ریزی صحیح و مناسب با عدم کارایی گروه‌های آموزشی، دارای همبستگی بزرگتر از ۰/۵ است همین طور بر اساس R^2 (R Square) با استفاده از فرضیه عدم برنامه‌ریزی صحیح و مناسب می‌توان ۴۳ درصد علل عدم کارایی گروه‌های آموزشی را توضیح داد و بدین وسیله با برقراری رابطه بین فرضیه و عدم کارایی گروه‌های آموزشی مشاهده می‌گردد که قریب به ۴۳/۳ درصد علل عدم کارایی گروه‌های آموزشی متأثر از عدم برنامه‌ریزی صحیح و مناسب می‌باشد. بنابراین این عدم برنامه‌ریزی صحیح و مناسب، یکی از عوامل مؤثر در عدم کارایی گروه‌های آموزشی است.

بر مبنای نتایج حاصله مدل معنی‌دار بوده و می‌توان وجود رابطه بین عدم برنامه‌ریزی صحیح و مناسب و عدم کارایی گروه‌های آموزشی را مورد تأکید قرار داد. همچنین آزمون معنی‌دار بودن ضریب رگرسیون نشان می‌دهد که این ضریب نیز معنی‌دار می‌باشد و مشخص کننده وجود رابطه مستقیم بین عدم برنامه‌ریزی صحیح و مناسب و عدم کارایی گروه‌های آموزشی

۴- فرضیه بی انگیزه و بی تفاوت بودن دبیران نسبت به گروه‌های آموزشی (فرضیه چهارم)

با استفاده از مدل رگرسیون ساده پیرامون این فرضیه نتایج زیر بدست آمده است که:

بین این فرضیه و عدم کارایی گروه‌های آموزشی همبستگی دارد و ضریب همبستگی حدود ۲۹٪ است. همین طور R^2 (square) محاسبه شده حدود ۸٪ است که بیانگر تأثیر کم این فرضیه در عدم کارایی گروه‌های آموزشی است به عبارت دیگر مدل تنها قدرت توضیح ۸٪ علل عدم کارایی گروه‌های آموزشی را دارد. لذا می‌توان گفت که این فرضیه در عدم کارایی گروه‌های آموزشی تأثیر چندانی نداشته است. همین طور آزمون معنی‌دار بودن سیستم و ضریب رگرسیون نشان دهنده وجود رابط بین این فرضیه و عدم کارایی گروه‌های آموزشی می‌باشد.

ب - تأثیر مجموع علل مطروحه در عدم کارایی گروه‌های آموزشی

در این مرحله با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی تأثیر علل مطروحه بر عدم کارایی گروه‌های آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بررسی شامل دو قسمت می‌باشد.

۱- آزمون فرضیه‌ها با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی OLS.

۲- آزمون فرضیه‌ها با استفاده از پکیج SPSS.

تذکر این نکته ضروری است که با توجه به تعداد متغیرها در این مرحله از رگرسیون مرکب استفاده خواهد شد و در داخل مباحث به فراخور حال برخی از نتایج حاصل از آزمون مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

اینک به توضیح هر کدام از آزمونها با روشهای متفاوت پرداخته می‌شود:

۱- آزمون فرضیه‌های مطروحه با استفاده از روش OLS

فرض می‌کنیم که فرضیات ذیل در عدم کارایی گروه‌های آموزشی مؤثر می‌باشد و می‌خواهیم این موضوع را آزمون نماییم.

X_1 - عدم برنامه‌ریزی صحیح و مناسب.

۲- فرضیه عدم وجود ساختار و تشکیلات سازمانی مناسب (فرضیه دوم) با استفاده از مدل رگرسیون ساده پیرامون این فرضیه نتایج حاصله زیر بدست آمده است:

ضریب همبستگی حدود ۵۱٪ می‌باشد که نشان دهنده همبستگی بین عدم ساختار و تشکیلات سازمانی مناسب با عدم کارایی گروه‌های آموزشی است همین طور با توجه به R^2 (square) می‌توان گفت با برقراری رابطه بین عدم ساختار و تشکیلات سازمانی مناسب و عدم کارایی گروه‌های آموزشی مدل قادر به توضیح ۲۶٪ علل عدم کارایی گروه‌های آموزشی است. به بیان دیگر با وارد شدن فرضیه عدم ساختار و تشکیلات سازمانی مناسب در مدل، حدود ۲۶٪ علل عدم کارایی گروه‌های آموزشی دارای توضیح می‌گردد. بنابر این می‌توان گفت عدم ساختار و تشکیلات سازمانی مناسب یکی از عوامل دارای تأثیر در عدم کارایی گروه‌های آموزشی می‌باشد.

با توجه به آزمونهای مربوط به معنی‌دار بودن سیستم و ضریب رگرسیون می‌توان گفت، هر دو معنی‌دار می‌باشند و نشان دهنده وجود رابطه مستقیم بین عدم وجود ساختار و تشکیلات سازمانی مناسب و عدم کارایی گروه‌های آموزشی است.

۳- فرضیه عدم تخصص دبیران در گروه‌های آموزشی (فرضیه سوم) با استفاده از مدل رگرسیون ساده پیرامون این فرضیه نتایج زیر حاصل می‌شود:

همبستگی بین این فرضیه و عدم کارایی گروه‌های آموزشی وجود دارد و ضریب همبستگی حدود ۴۹٪ است. همین طور با استفاده از این فرضیه و برقراری رابطه بین عدم تخصص دبیران گروه‌های آموزشی با عدم کارایی گروه‌های آموزشی مشاهده می‌گردد که مدل حاصله دارای قدرت توضیح قریب ۲۴٪ عدم کارایی گروه‌های آموزشی است. بنابر این عدم تخصص دبیران گروه‌های آموزشی در عدم کارایی گروه‌های آموزشی مؤثر می‌باشد.

همین طور آزمون معنی‌دار بودن سیستم و ضریب رگرسیون نشان دهنده وجود رابطه بین عدم تخصص دبیران در گروه‌های آموزشی و عدم کارایی گروه‌های آموزشی می‌باشد و این

X₂ - عدم ساختار و تشکیلات سازمانی مناسب.

X₃ - عدم تخصص دبیران در گروه‌های آموزشی.

X₄ - بی‌انگیزگی و بی‌تفاوتی دبیران نسبت به گروه‌های آموزشی.

نتایج حاصل از آزمون چنین است:

ضریب همبستگی بین فرضیات و عدم کارایی گروه‌های

آموزشی حدود ۰/۶۸ است که بیانگر وجود همبستگی بین

فرضیات و عدم کارایی گروه‌های آموزشی است.

همین طور R² (R Square) که نشان دهنده قدرت توضیح مدل

است بیانگر این موضوع است که مدل تخمین زده شده توضیح

دهنده ۴۶ درصد علل عدم کارایی گروه‌های آموزشی می‌باشد.

همچنین آزمون نشان دهنده معنی‌دار بودن مدل و ضرایب

رگرسیون می‌باشد.

لازم به ذکر است که ضرایب رگرسیون X₂ و X₄ با احتمال

پایینی معنی‌دار هستند و اگر آزمون معنی‌دار بودن با احتمال ۰/۹۵٪

انجام شود، و ضرایب X₂ و X₄ دیگر معنی‌دار نخواهند بود و این

بدین معنی است که فرضیات X₂ و X₄ دارای تأثیر زیادی در عدم

کارایی گروه‌های آموزشی نمی‌باشند.

۲- آزمون فرضیه‌ها با استفاده از پکیج SPSS

بر اساس روش SPSS برای آزمون فرضیات مطروحه در بخش‌های

قبلی و عدم کارایی گروه‌های آموزشی به ترتیب ذیل عمل شده

است.

ابتدا متغیر X₁ به لحاظ داشتن بالاترین ضریب همبستگی با

عدم کارایی گروه‌های آموزشی وارد مدل می‌شود و مدلی بر این

اساس ساخته می‌شود سپس در مرحله بعدی بر اساس ضرایب

همبستگی جزئی متغیر X₃ به لحاظ داشتن ضریب همبستگی بالا

نسبت به X₂ و X₄ وارد مدل می‌گردد و متغیرهای X₂ و X₄ از مدل

حذف می‌گردند.

بدین ترتیب بر اساس روش SPSS متغیر X₁ و X₃ از عوامل

مؤثر در عدم کارایی گروه‌های آموزشی محسوب می‌گردند نتایج

حاصل از آزمون به طور خلاصه عبارتند از:

ضریب همبستگی حدود ۰/۶۸ می‌باشد که نشان دهنده

همبستگی بالا بین فرضیات و عدم کارایی گروه‌های آموزشی

است. همین طور قدرت توضیح مدل با فرضیات X₁ و X₃ حدود

۴۶٪ می‌باشد.

نتایج آزمون معنی‌دار بودن مدل و ضرایب رگرسیون نشان

دهنده معنی‌دار بودن مدل و ضرایب رگرسیون تخمین زده شده

است.

به طور خلاصه با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های انجام

شده می‌توان گفت که در میان فرضیات مطروحه دو فرضیه (عدم

برنامه‌ریزی صحیح و مناسب) و (عدم تخصص دبیران در

گروه‌های آموزشی) دارای اهمیت زیادی هستند. به طوری که

تأثیر این دو عامل در عدم کارایی گروه‌های آموزشی غیر قابل رد

است و می‌باید در جهت افزایش کارایی گروه‌های آموزشی به این

دو عامل توجه زیادی معطوف گردد.

نتایج حاصله

فرضیه اول که علت عدم کارایی را عدم برنامه‌ریزی در گروه‌های

آموزشی می‌دانست با ضریب ۰/۶۶ مورد تأیید قرار گرفت.

فرضیه دوم که علت عدم کارایی را عدم تشکیلات و

سازماندهی در گروه‌های آموزشی می‌دانست با ضریب ۰/۵۱ مورد

تأیید قرار گرفت.

فرضیه سوم که علت عدم کارایی را عدم تخصص دبیران در

گروه‌های آموزشی می‌دانست با ضریب ۰/۴۹ مورد تأیید قرار

گرفت.

فرضیه چهارم که علت عدم کارایی را عدم انگیزه و بی‌تفاوتی

دبیران در گروه‌های آموزشی می‌دانست با ضریب ۰/۲۹ که درصد و

ضریب کمی است به دست آمد که نیاز به کنکاش و بررسی

بیشتری دارد و نمی‌توان آن را تأیید نمود.

قابل ذکر است که به وسیله چهار فرضیه ذکر شده در مجموع

۶۸٪ از متغیرهای مؤثر در عدم کارایی گروه‌های آموزشی شناخته

شده و به وسیله این چهار عامل عدم کارایی توضیح و مورد بررسی

قرار گرفته است یعنی این فرضیات و علل عمده چهارگانه توانسته

است ۶۸٪ از عدم کارایی گروه‌های آموزشی را توضیح بدهد و

تحقیق را با ضرایب یاد شده «معنی‌دار» نماید.

بنابراین با توجه به بررسی‌های بعمل آمده فرضیات اول، دوم،

سوم موضوع تحقیق با درصد بالایی مورد اثبات و تأیید قابل قبول

قرار گرفته است و فرضیه چهارم نیز با درصد مثبت پایینی مورد

تأیید قرار گرفته ولی به خاطر پایین بودن ضریب به دست آمده

برای اثبات و تأیید کامل به بررسی و انجام آزمون و تست‌های دیگر

و تحقیق مجددی نیاز دارد.

۵- نداشتن مکانیزمهای نظارتی و عدم کفایت مکانیزمهای موجود

در کار

۶- عدم بهره‌گیری از مکانیزمهای مؤثر مشارکت دبیران در گروه‌ها

و استقرار یک نظام مشارکتی از گروه‌های آموزشی و دبیران

۷- وجود تبعیض و نابرابری در ارائه و توزیع خدمات وزارت و

استان در سطح مناطق مختلف شهر تهران

۸- نا آشنایی و نداشتن فرهنگ مشارکت جویانه و مشارکت

پذیری در امر گروه‌های آموزشی در میان مدیران در سطح مناطق

۹- فقدان مبانی و ضوابط سازماندهی در طراحی تشکیلات

داخلی گروه‌های آموزشی

۱۰- عدم واگذاری وظایف آموزشی بیشتر به گروه‌های آموزشی

۱۱- عدم هماهنگی لازم میان حوزه مرکزی گروه‌های آموزشی کل

استان

۱۲- عدم وجود سیستمی برای شناخت معیارهای سنجش

کارآیی و اثر بخشی فعالیتهای گروه‌ها

۱۳- عدم وجود ارتباط و تناسب بین اجزاء تشکیلاتی در سطح

مناطق و استان

۱۴- نداشتن برنامه‌ریزی‌های بلند مدت برای گروه‌های آموزشی

۱۵- پرداختن به مسائل و اموری که خارج از وظایف سازمانی

گروه‌های آموزشی می‌باشد و دون وظایف این گروه‌ها است

۱۶- نداشتن سیستم تحقیقاتی مناسب برای بازخور عملکرد این

گروه‌ها و ایجاد تغییرات

۱۷- ضعف در آئین نامه‌ها و مقررات داخلی هر یک از گروه‌های

آموزشی

۱۸- عدم وجود سیستمهای تشویقی مادی برای دبیران در

گروه‌های آموزشی

نقاط ضعف، مشکلات و نارسائیه‌ها در گروه‌های

آموزشی ناشی از عوامل بیرونی

۱- نامشخص بودن حدود و قلمرو دقیق اختیارات و صلاحیتهای

قانونی مرجع تصمیم‌گیر در گروه‌های آموزشی

۲- نامشخص بودن حدود و قلمرو اختیارات و صلاحیتهای

قانونی مراجع برنامه‌ریز و نظارت‌کننده و هماهنگ‌کننده در

گروه‌های آموزشی

۳- نداشتن سیاستهای کلی و استراتژیهای مشخص تشکیلاتی در

عوامل بیرونی و درونی مؤثر بر عملکرد گروه‌های

آموزشی

الف- عوامل بیرونی

۱- ماهیت قوانین و مقررات حاکم بر گروه‌ها

۲- اهداف نظام و سیستم آموزش و پرورش

۳- الگوهای فرهنگی و رفتاری رایج و ارزشهای حاکم بر عامه

دبیران

۴- مشکلات و سختی‌های ناشی از کار و شرایط اقتصادی

۵- تغییرات در حدود و ثغور وظایف و فعالیتهای گروه‌های

آموزشی

۶- تغییرات تکنولوژی و توسعه اطلاعات آموزشی و تکنولوژی

آموزشی

ب- عوامل درونی

۱- ساختار و تشکیلات گروه‌های آموزشی و ماهیت وظایف

سیستم اجرایی گروه‌ها

۲- برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و چگونگی اعمال

آنها

۳- بافت نیروی انسانی شاغل (دبیران) و عوامل انگیزشی آنها

برای کار

۴- توان تخصصی و قابلیت تجزیه و تحلیل مدیران

۵- شرایط محیطی جلسات گروه‌های آموزشی از نظر امکانات

رفاهی، سرما و گرما، دوری و نزدیکی

۶- تمرکز و عدم تمرکز سازمانی در گروه‌های اجرایی

نقاط ضعف، مشکلات و نارسائیه‌ها در گروه‌های

آموزشی ناشی از عوامل درونی

۱- ضعف اطلاعاتی و تحقیقاتی در گروه‌های آموزشی

۲- عدم توازن در ساخت و بافت تصمیم‌گیریه‌ها

۳- عدم وجود سیستم سازمانی خاص برای کار برنامه‌ریزی در

گروه‌ها

۴- نبودن استمرار و پیگیری امر نظارت از طرف وزارت و استان

بر مناطق و مناطق برگروه‌های آموزشی

طول سال برای گروه‌های آموزشی

- ۴- عدم وجود ضمانت اجرایی لازم و کافی برای تصمیمات مراجع هماهنگ کننده و نظارت کننده بر گروه‌های آموزشی
- ۵- عدم انجام فعالیتهای مربوط به امر ارزشیابی عملکرد چه از خود گروه و چه از دبیران.
- ۶- وجود مراجع متعدد تصمیم گیرنده و هماهنگ کننده و نظارت کننده
- ۷- ضعف آموزش عمومی و تبلیغات به شکل برنامه ریزی شده جهت افزایش تمایل دبیران برای حل مشکلات
- ۸- بها ندادن به امر مشارکت به عنوان یک اصل و ارزش پایدار
- ۹- عدم استفاده مناسب از وسایل کمک آموزشی موجود (حداقل امکانات) برای دبیران
- ۱۰- نامشخص بودن اهداف و برنامه‌ها در بسیاری از زمینه‌های اجرایی در استان و مناطق
- ۱۱- تداخل وظایف مراجع تصمیم گیر، هماهنگ کننده و برنامه ریز
- ۱۲- عدم وجود تأمینهای مالی لازم برای دبیران و تقلیل کارآیی هر چه بیشتر دبیران در گروه‌های آموزشی

علل عدم موفقیت برنامه‌های گروه‌های آموزشی

- ۱- برنامه ریزی گروه‌های آموزشی توسط افراد غیر متخصص و نا آشنا به فرهنگ دبیری و آموزگاری
- ۲- عدم توجه به نیازهای دبیران و عدم ارتباط میان برنامه‌های آموزشی گروه‌های آموزشی
- ۳- اشکال در مدیریت، سازماندهی و سیاستگذاری این گروه‌ها از سوی وزارت آموزش و پرورش تا مدارس
- ۴- کمبود نیروی انسانی و منابع مادی جهت سازمان اجرایی و هماهنگی گروه‌های آموزشی
- ۵- ایجاد و برقراری جلسات گروه‌های آموزشی بدون استفاده از پیشرفتهای جدید در امر آموزش، تکنولوژی آموزشی و سیستمهای ابداعی و اجرایی آموزش و پرورش در سطح جهان.

راهنمایی برای مدیران و سرگروه‌های، گروه‌های آموزشی جهت اتخاذ تصمیم‌های مناسب

- ۱- مدیران در تصمیم‌گیری خود باید سعی و کوشش خود را معطوف به یافتن تکنیکهایی نمایند که می‌تواند به آنان در

تصمیم‌گیری صحیح کمک کرده و باعث رنجش و طرد دبیران از جلسات نشود.

۲- لازم است سرگروه‌ها از کیفیت امور اجرایی گروه‌ها و تصمیم‌گیریهای مقطعی و کوتاه مدت که انجام می‌دهند کاملاً آگاه باشند.

۳- سرگروه‌ها و مدیران باید از گروه برای افزودن به مقبولیت و پذیرش تصمیمات استفاده مؤثر نمایند.

۴- سرگروه‌ها و مدیران باید نیرو و انرژی بیشتری را صرف اداره و هدایت ماهرانه مباحثات گروه‌های آموزشی نموده و نگذارند که برخورد و مشکلات زیاد بین اعضاء و دبیران بوجود آید.

محتوا و ساختار تشکیلاتی برای آموزش در گروه‌های آموزشی دبیران

به هنگام تعیین محتوای آموزشی باید برای نیازهای ویژه گروه‌هایی که از لحاظ آموزشی محروم‌ترند اولویت قائل شد. محتوای آموزشی باید بر پایه اصول زیر بنا نهاده شود:

۱- سود جستن از تجربه‌های گوناگون دبیران در راه تکامل، گسترش آموزش و نیل به پیشرفت جمعی و راندمان بالای هر چه بیشتر تأکید گردد.

۲- اعتماد کردن به توانایی‌ها و عزم همه دبیران برای پیشرفت کردن در سراسر زندگیشان چه در زمینه تکامل شخصی و چه در زمینه فعالیت اجتماعی.

۳- بیدار کردن و برانگیختن علاقه دبیران به مشارکت و پروراندن تمایلات فرهنگی.

۴- برانگیختن و استوار نگهداشتن علاقه دبیران، یاری جستن از تجربه آنان، تقویت اعتماد به نفس آنان و تأمین شرکت فعالانه‌اشان در جلسات و برنامه‌ریزی‌های گروه‌های آموزشی.

۵- انطباق با شرایط واقعی زندگی و کار روزمره، در نظر گرفتن خصوصیات شخصی دبیران و غیره.

۶- تأمین مشارکت یکایک دبیران، گروه‌های آموزشی در تصمیم‌گیریها در همه سطوح فرایند آموزشی به ویژه در تعیین نیازها، تدوین برنامه‌های درسی، اجرا، ارزشیابی برنامه‌ها، برنامه‌ریزی فعالیتهای آموزشی به منظور ایجاد تغییرات در کلیه سطوح این گروه‌های آموزشی.

۷- سازمان دهی و اداره شدن به شیوه‌های انعطاف پذیر بر

اساس عوامل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی کشور.

۸- باز شناختن شکلهای سازمانی - گروهی گروه‌های آموزشی به منظور حل مسائل روزمره این گروه‌ها.

در جهت اجرا و نظارت و تصحیح برنامه‌ها نیز مشکلاتی مشهود و قابل ذکر است:

که عبارتند از:

۱- عدم تناسب برنامه‌های تدوین شده با توان اجرایی و ظرفیت اقتصادی ادارات مناطق که باعث ایجاد مشکلاتی بر سر راه تشکیل جلسات گروه‌ها و پیگیری مکرر آنها می‌شود.

۲- ضعف مبانی فرهنگی تبعیت از نظم برنامه‌ای در سطوح مختلف اجرایی گروه‌های آموزشی و دبیران.

۳- کمبود توان تخصصی لازم برای اجرای برنامه به دلیل مشکلات موجود در نظامهای مدیریت و انگیزش و کمبود نیروی انسانی و اجرایی به علت وجود ابهامات موجود در حدود و نحوه مشارکت دبیران.

۴- عدم تطابق کافی بین طبقه‌بندی عملیات برنامه‌ها و تشکیلات ادارات مناطق که منجر به انجام عملیات اجرایی گروه‌های آموزشی به طور ناهماهنگ و همچنین اتلاف منابع می‌گردد.

۵- نارسایی در سیستم نظارتی موجود گروه‌های آموزشی، ابهام در حدود و وظایف و مسؤولیتهای برنامه‌ریزی، نظارتی و اجرایی، عدم قاطعیت در اجرای وظایف و ضعف نظارت در سلسله مراتب نظارت قانونی بر گروه‌های آموزشی.

۶- ناپیوستگی بین تخصیص اعتبارات، گزارشهای نظارتی و گزارشهای عملکرد برنامه‌ای در گروه‌های آموزشی.

۷- ناکافی بودن مکانیزمهای تشویق و تنبیه و عدم اجرای سیستم ارزیابی مناسب.

۸- ناتوانی در جذب و جلب و مشارکت دبیران جهت شرکت در جلسات گروه‌های آموزشی.

۹- بکار نبردن مکانیزمهای تشویق مادی و حق الزحمه‌ای جهت دبیران برای ساعات شرکت در جلسات گروه‌های آموزشی.

۱۰- عدم ارتباط صحیح میان کلیه دبیران دروس خاص در مناطق و انتخاب اعضاء دبیران به طور ناصحیح.

طی بررسی‌های انجام شده عمده‌ترین نارسایی‌های موجود در

سر راه تدوین برنامه گروه‌های آموزشی دبیران در مناطق آموزش و پرورش عبارتند از:

۱- فقدان توان اداری و فنی لازم برای برنامه‌ریزی به دلیل مشکلات موجود در نظامهای مدیریتی، انگیزشی و کمبود نیروی انسانی متخصص.

۲- عدم پیش بینی و برنامه‌ریزی بلند مدت، میان مدت و منطقه‌ای و همچنین در قوانین و مقررات.

۳- وجود ابهام در جایگاه، نقش وظایف شورای هماهنگ کننده گروه‌های آموزشی و نقش و جایگاه وظایف هر یک از گروه‌های آموزشی در مناطق آموزش و پرورش.

۴- مشخص نبودن محتوای دقیق برنامه‌ریزی توسعه و گسترش میان مدت گروه‌ها و مناطق و استان.

۵- مشخص نبودن جایگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در برنامه‌های میان مدت و حدود تمرکز و عدم تمرکز در تشکیلات گروه‌های آموزشی.

۶- فقدان پیوند ارگانیک بین نظام تشکیلاتی شورای هماهنگ کننده گروه‌های آموزشی استان با مناطق و وجود ابهامات و نارسایی‌های متعدد در مکانیزمهای اجرایی، نحوه دخالت و چگونگی مشارکت آنها در امر برنامه‌ریزی گروه‌های آموزشی.

۷- مشخص نبودن نحوه مشارکت دبیران در مراحل مختلف برنامه‌ریزی گروه‌های آموزشی در منطقه و استان.

۸- مشخص نبودن ارتباط دستگاه‌های نظارت کننده در گروه‌های آموزشی و عدم وجود آمارهای دقیق و روشن از نحوه شرکت، عدم شرکت، تشکیل، یا عدم تشکیل و ...

۹- فقدان هماهنگی بین قوانین و مقررات وزارت و استان در زمینه مسؤولیت تهیه و تدوین برنامه‌های گروه‌ها.

۱۰- عدم امکان اجرایی برنامه‌ریزی در بعضی از سطوح پیش بینی شده.

۱۱- عدم وجود هماهنگی بین نظام برنامه‌ریزی و ایجاد نارسایی‌ها و ابهامات جدید در زمینه جایگاه مراجعه فنی و اداری دبیران به گروه‌های آموزشی و مسؤلان و اعضاء گروه‌های آموزشی به مراجع.